



داستان‌های مثنوی

(به زبان نثر)

دفتر اول

داود جمشیدی‌نیا



سرشناسه	جمشیدی‌نیا، داود، ۱۳۵۰ -
عنوان قراردادی	مثنوی
عنوان و نام پدیدآور	داستان‌های مثنوی / مولف داود جمشیدی‌نیا،
مشخصات نشر	تهران : الماس دانش، ۱۳۸۹ -
مشخصات ظاهری	ج
شابک	ج ۱: 978-600-5044-88-1 ج ۲: 978-600-5044-90-4 ج ۳: 978-600-5044-91-1 ج ۴: 978-600-5044-92-8 ج ۵: 978-600-5044-93-5
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر اقتباسی از کتاب "مثنوی" اثر مولوی است.
موضوع	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی -- اقتباس‌ها
شماره افزوده	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	مولوی، جلال‌الدین محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی
رده‌بندی دیویی	P18A۰۱۱/م۵۸۸۵۲ ۱۳۸۹
شماره کتبی‌نویسی ملی	۸۵۲/۶۲ ۲۰۹۴۳۹۰



تلفن: ۶۶۴۹۳۷۵۲

ناشر	مؤسسه فرهنگی انتشارات الماس دانش
ناشر همکار	انتشارات کلک‌زرین
عنوان کتاب	داستان‌های مثنوی (به زبان نشر): دفتر اول
نویسنده	داود جمشیدی‌نیا
مجری طرح	سیدناصرالدین گشتایی
طراح	محمد سرمدی
ویراستار	کاظم زرین
چاپ	جباری - ۷۷۶۰۸۳۲۴
لیتوگرافی	آرمان‌سا - ۶۶۴۹۴۶۵۲
شمارگان	۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	اول - ۱۳۹۱
قیمت	۳۰۰۰ تومان
شابک دوره	۹۷۸-۶۰۰-۵۰۴۴-۹۳-۵، شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۴۴-۸۹-۸
مرکز بخش	بخش علوم و فنون ایران
تلفن:	۰۹۱۲۶۸۶۹۸۳۲-۶۶۹۶۸۰۵۸

کلیه حقوق و حق چاپ محفوظ است. هر دو جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۶۸ محفوظ است و متعلقین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار
۷.....	مقدمه
۹.....	زندگی نامه مولانا
۱۳.....	داستان های مثنوی به زبان نثر: دفتر اول
۱۳.....	داستان عشق کنیزک و پادشاه
۱۹.....	حکایت مرد بقال و طوطی
۲۲.....	داستان آن پادشاه پیر که نصرتیان را از روی تعصب می کشت
۲۷.....	قصه شیر و خرگوش
۳۴.....	زشتی تاویل مگس
۳۶.....	قصه طوطی و بازرگان
۴۱.....	قصه پیر چنگی
۴۴.....	قصه عرب مستمند و ماجرای زن او و فقر زیاده اش
۵۲.....	قصه خال کوبی مرد قزوینی
۵۶.....	قصه شکار شیر و گرگ و روباه
۶۱.....	قصه نقاشان رومی و چینی
۶۳.....	متهم کردن غلامان، لقمان را به دزدی میوه
۶۵.....	جنگ امام علی (ع) با یکی از پهلوانان کفار

پیشگفتار

بشنوید ای دوستان این داستان خود حقیقت نقد حال ماست آن
خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

در مثنوی حضرت مولانا جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی قصه و حکایت‌ها همه و همه در ابیات معدودی نام و در شکایت این روح دورافتاده از نیستان الهی شکل می‌گیرد. قصه‌ها و حکایات سرّ حال انسان را بیان می‌کند که از اقلیم ناشناخته اصل خود جدا شده است. آنکه راز آشناست از نقد حال انسان باخبر است. قصه‌های مثنوی، قصه پردرد این نی سودازدهایی است که هیجان یک عشق تفسیرناپذیر را توصیف می‌کند. با تامل در سرّ این نوع قصه‌هاست که می‌توان به لطایف اسرار مثنوی راه یافت و مثنوی را نردبان آسمان و وسیله عروج به آفاق عرفان تلقی کرد.

تأثیری که قرآن از جهت لفظ و معنی در مثنوی به جای نهاده است تاحدی است که بدون شک فهم درست مثنوی بدون آشنایی با قرآن حاصل نمی‌شود. چرا که غیر از اخذ قصه‌های قرآنی و تفسیر تعدادی از آیات آن، سراسر مثنوی مملو از الفاظ و تعبیرات قرآنی و مشون از موارد استشهاد به آیات کلام الهی است.

از همان آغاز مثنوی که حکایت جدایی در شکایت نی به بیان می‌آید و سپس داستان پادشاه و کنیزک (نقد حال) ما خواننده می‌شود، انسان احساس می‌کند در مثنوی با دنیای قصه سروکار پیدا می‌کند.

ای برادر قصه چون پیمانهای است معنی اندر وی مثال دانه‌ای است
هست اندر صورت هر قصه‌ای خرده‌بینان را ز معنی حصه‌ای^۱

چه بقول زنده‌یاد استاد بزرگوار دکتر عبدالحسین زرین‌کوب: مثنوی حماسه‌ی روحانی به‌نظر می‌آید که حوادث فرعی و جزئیات وقایع آن در صورت رمز و به شکل حکایات و قصه‌های مختلف تصویر می‌شود. اما مجموع این قصه‌های رمزی و غیررمزی، کشمکش‌های روح را برای رهایی از دام و بند دنیای ماده نشان می‌دهد. در حقیقت، مثنوی در همان حال که نوعی جامع‌الحکایات محسوب است، نوعی جامع‌الایات و جامع‌الاحادیث هم هست.^۱

مؤلف این کتاب جناب آقای جمشیدی‌نیا که سال‌های طولانی وقت خود را در فهم ابیات مثنوی چه به‌صورت حضور فیزیکی در کلاس‌های تفسیری و مطالعه در کتاب‌های شارحین مثنوی، گذرانده است، در این کتاب به‌خوبی توانسته است قصص و حکایات مثنوی را به‌زبانی ساده و شیوا برای خوانندگان ترسیم نماید. مطالعه این کتاب را به همه دوستداران مثنوی پیشنهاد می‌نمایم.

دکتر شمس‌الدین ربیعی

مقدمه

مردم جامعه کوفی ما به دلیل مشغله‌های فراوان متأسفانه از دریای حکمت و ادب فارسی که در دنیا زبان نخبگان سایر ملل می‌باشد دور افتاده‌اند. افرادی هم‌چون گوته آلمانی یا آنه‌ماری شیمیل و یا مرحوم نیکلسون و صدها نفر از علمای داخل و خارج که هر یک در مدح ادبای شعر فارسی، کتاب‌ها نگاشته‌اند مرا بر آن داشت با توجه به وسع و دانش اندک خود به قصد ترویج فرهنگ اصیل انسان‌ساز ایرانی و اسلامی و انجام تکلیف و نه به‌عنوان خودنمایی جسارتاً قدمی هرچند کوچک در مقایسه با کارهای ژرف و اقیانوس‌وار فضایی این علم بردارم. پس از مدتی تأمل در این موضوع دیدم عاملی که باعث جدا افتادن مردم از این وادی شده است، اول مشغله‌های روزمره آن‌ها و دیگر سنگین بودن زبان شعر گونه ادبیات کهن ما و سختی درک آن برای عامه است که باعث خسته شدن و دوری آنان شده است. لذا به دلیل ارادت خاص به مثنوی مولوی تصمیم گرفتم اشعار مثنوی شریف حضرت مولانا را که تماماً نضات گرفته از فرهنگ اصیل اسلامی و منبعث از اخلاق و عرفان می‌باشد را به‌زبانی ساده و شیوا و داستان‌وار و به‌صورت چکیده درآورده تا باعث جذب افشار جامعه به‌خصوص نوجوانان عزیز گردیده و از این دریای حکمت متعمم شوند، ضمن این‌که در وهله اول قدمی در ارتقای سطح روحی و فکری خود برداشته باشم. مردم تصور می‌کنند که رابطه ما با مثنوی رابطه‌ای است خشک و بی‌معنای رابطه‌ای در سطح الفاظ و ادبیات، حال آن‌که مثنوی پیامی بس عمیق در خود نهفته دارد، پیام مثنوی هشدار است به انسان، فریادی است برای بیداری و خروج از حصار نقش‌های ساخته ذهن او، مثنوی ما را با شرح رنج‌های خویش در یأس و نومیدی رها نمی‌کند، با صدها اشاره، داستان و تمثیل نوید می‌دهد که می‌توان ترک غربت کرد و به نیستان اصیل خویش بازگشت، داستان‌هایی که در آن هزار نکته اخلاقی، اجتماعی و... وجود دارد که می‌توان با خواندن و درک درست از آن در ارتقای کمالات انسانی قدم‌های بزرگی برداشت. با این وصف کار خود را به حول و قوه الهی و بهره‌گیری

از تفاسیر و شرح‌های مثنوی موجود و استفاده از ارشادات استاد گرانقدرم دکتر شمس‌الدین ربیعی که خداوند طول‌عمر و سلامتی به ایشان عنایت فرماید از دفتر اول مثنوی مولوی شروع نمودم، ولیکن از داستان اول که همان سر نی یا نی‌نامه معروف است به‌دلیل داستانی نبودن موضوع و این‌که می‌آدا نتوان حق مطلب را به‌طور احسن و اکمل ادا نمایم صرف‌نظر کرده و از داستان دوم که داستان عاشق شدن کنیزک و پادشاه است شروع نمودم. باشد که مرضی درگاه خداوند متعال قرار گیرد.

داود جمشیدی‌نیا

www.ketab.ir

زندگی نامه مولانا

جلال الدین محمد بن بهاء الدین بلخی، معروف به مولوی یا مولانا یا ملای رومی از بزرگ‌ترین عارفان و شاعران ایرانی به‌شمار می‌رود. او در ششم ربیع‌الاول سال ۶۰۴ ه‍.ق در شهر بلخ از شهرهای خراسان ایران قدیم به دنیا آمده و علت شهرتش به "رومی" و "مولانای روم" آن است که ایشان مدت زیادی از عمر خود را در شهر قونیه گذرانده است و اکنون نیز در آنجا مدفون می‌باشد. لیکن وی همواره خویش را از مردم خراسان شمرده و اهل شهر خود را دوست می‌داشت. پدر مولانا معروف به "بهاء الدین ولد" و ملقب به "سلطان‌العلماء" از افاضل روزگار و علامه زمان بود و مشهور است که مادر بهاء الدین، از خاندان خوارزمشاهیان بوده است. از آنجا که بهاء الدین ولد از بزرگان صوفیه به‌شمار می‌رفت و مردم به واسطه عظمت مقام او، به او تمایل فراوانی داشتند. سلطان محمد خوارزمشاه - حاکم وقت - از این مسئله نگران بود. می‌گویند سبب عمده وحشت خوارزمشاه از او آن بود که بهاء الدین ولد همواره بر منبر به حکیمان و فیلسوفان دشنام می‌داد و آنان را بدعت‌گذار می‌خواند. بهاء الدین ولد از خصوصیت پادشاه خود را در خطر دیده و برای رهانیدن خویش از آن مهلکه به ترک وطن تن در داد و سرگند خورد که تا آن پادشاه بر تخت سلطنت نشسته است بدان شهر بازنگردد.

جلال الدین محمد پس از پس از مرگ بهاء الدین ولد (پدرش) که بیست و چهار سال داشت بنا به وصیت پدرش و یا به خواهش سلطان علاء الدین کیقباد بر جای پدر بر مستطاب ارشاد و تدریس نشست و متمادی شغل فتوی و امور شریعت گردید. در این هنگام برهان الدین محقق ترمذی که از تربیت یافتگان پدرش بود، به علت هجوم تاتار به خراسان و ویرانی آن سرزمین به قونیه آمد و مولوی اسرار تصوف و عرفان را از او فرا گرفت. سپس به اشارت او به جانب شهر شام و حلب در سوره فعلی عزیمت کرد تا در سایر علوم نیز کسب مهارت نماید. پس از مدتی تحصیل در حلب، مولانا قصد سفر دمشق کرد و از چهار تا هفت سال در آن ناحیه اقامت داشت و به اندوختن

علم‌ودانش مشغول بود و همه علوم اسلامی زمان خود را فرا گرفت. مولانا در همین شهر به خدمت شیخ محیی‌الدین محمدبن علی معروف به ابن‌العربی (۵۶۰-۶۳۸) که از بزرگان صوفیه اسلام و صاحب کتاب معروف فصوص‌الحکم است رسید. مولانا پس از گذراندن مدتی در حلب و شام که دریا مجموع آن به هفت سال نمی‌رسد به اقامتگاه خود، قونیه رهسپار شد.

تا این که در سال ۶۴۲ هجری قمری، شمس‌الدین تبریزی که خود از عارفان و زاهدان والامقام بود به شهر قونیه آمده و طی ملاقاتی با شمس و ردوبدل شدن حرف‌های نامعلوم، مولانا یک دل نه صد دل شیفته او شد. طوری که در سن چهل سالگی همه آن مقام و شکوه و منبر خود را راها کرده و دیوانه‌وار به دنبال شمس افتاد و مشغول سرودن شعر شد. مریدان مولوی که از به‌وجود آمدن این وضع بسیار عیبانی و ناراحت بودند، شروع کردن به آزار و اذیت شمس، تا این‌که شمس مجبور به ترک قونیه شد. مولوی که از دوری شمس در عذاب بود بالاخره توانست او را یافته و به قونیه بازگرداند. اما بار دیگر شاگردان و خانواده مولوی همگی باعث آزار شمس شدند و این بار دیگر شمس به‌طور دائم و همیشگی قونیه را ترک کرده و مولوی را تا آخر عمر در حسرت دیدار خود سوزاند.

سرانجام مولانا در سن شصت‌وهشت سالگی در اثر بیماری فوت نمود. تمام اهل قونیه و عالمان مسلمان و یهودی و مسیحی همه در تشییع جنازه او حاضر شده و شیخ صدرالدین قونوی یکی از بزرگ‌ترین شاگردان ابن‌عربی بر سر جنازه او نماز خواند. آرامگاه او اکنون در همان شهر قونیه یکی از استان‌های کشور ترکیه واقع شده و همه‌ساله پذیرای میلیون‌ها نفر از مشتاقان آن شاعر همیشه زنده است.

آثار:

۱- مهم‌ترین اثر منظوم مولوی، مثنوی معنوی است. این سروده در شش دفتر بیان‌کننده مجموعه افکار عرفانی، اخلاقی و اجتماعی مولوی می‌باشد که به زیباترین شکل به زبان شعر سروده شده است و در حدود ۲۶۰۰۰ بیت دارد.

۲- دومین اثر بزرگ مولوی (دیوان کبیر) مشهور به دیوان غزلیات شمس است. غزلیات دیوان شمس آثار سی سال نیمه آخر زندگانی مولوی است به این ترتیب که مجموع دیوان به سه بخش تقسیم می‌شود قسمت اکثرش مربوط به ده یازده سال ایام پیوستگی و جدایی مولانا با شمس است. قسمتی از آن متعلق است به ده سال ایام سردرگمی مولانا و صحبت با شیخ صلاح‌الدین زرکوب و بخش سوم مربوط به ده سال آخر عمر مولوی است و عهد مصاحبت او با حسام‌الدین چلبی.

۳- رباعیات: مجموع رباعیات مولوی که در بعضی نسخ شماره آن به ۱۶۵۹ می‌رسد و قسمتی از آن منسوب به اوست و در مجموعه‌ها به نام شاعران دیگر نیز آمده است و یا این که در دیوان دیگر به چشم می‌خورد.

۴- از مولوی آثاری به نثر مانده که دارای ارزش ادبی می‌باشند مجموعه مکاتیب و مجالس او و کتاب فیه مافیه.

باشد که با خواندن آن روز به روز به مقام معنوی ما افزوده و پله پله تا مقامات خدا صعود نماییم.